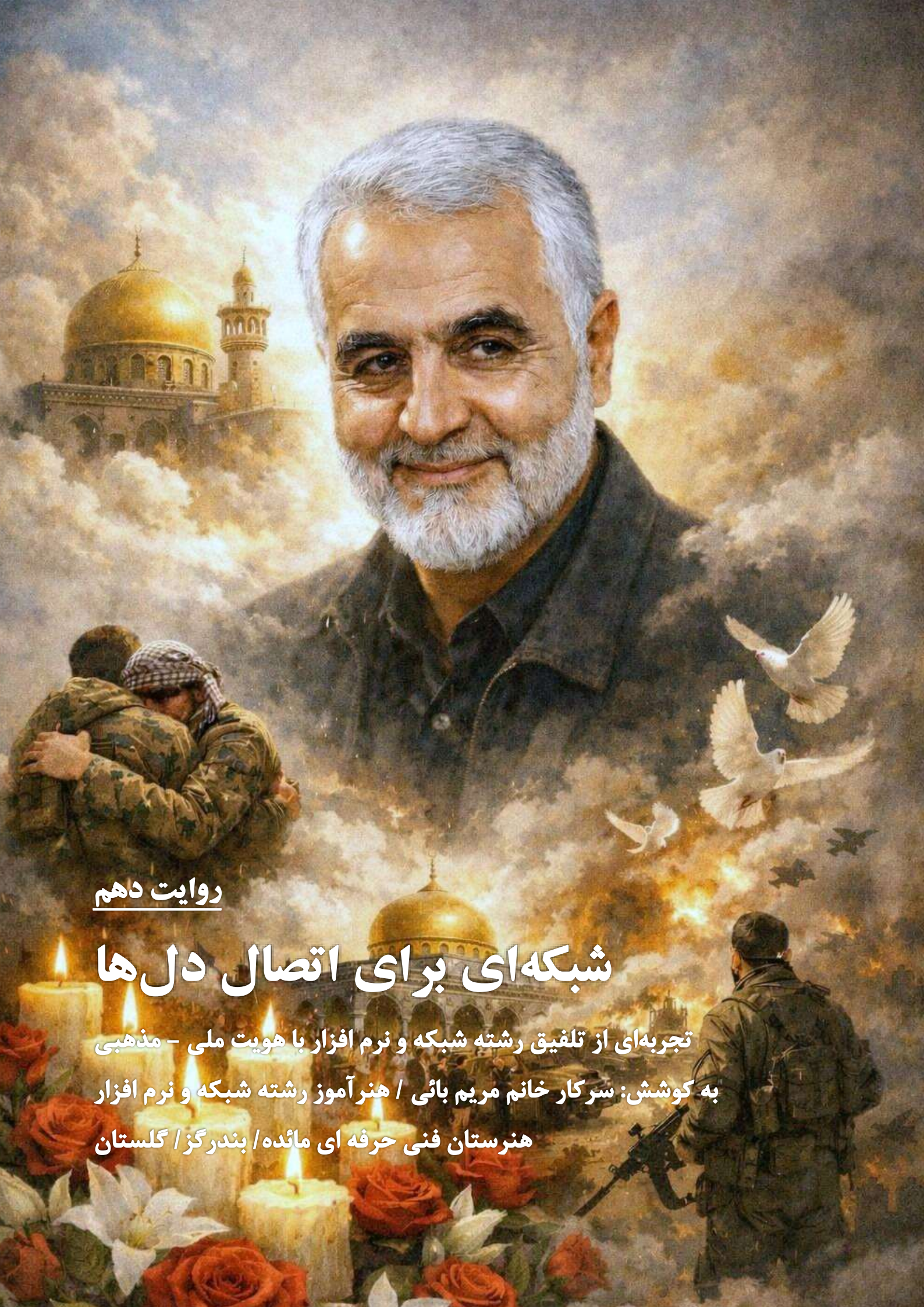

روایت دهم

شبکه‌ای برای اتصال دل‌ها

تجربه‌ای از تلفیق رشته شبکه و نرم افزار با هویت ملی - مذهبی

به کوشش: سرکار خانم مریم بائی / هنرآموز رشته شبکه و نرم افزار

هنرستان فنی حرفه ای مائده/ بندرگز/ گلستان

مقدمه

اینجانب مریم بائی، فارغ‌التحصیل مهندسی فناوری اطلاعات گرایش شبکه‌های کامپیوتری می‌باشم. بنده از مهرماه ۱۴۰۵ به عنوان هنرآموز شبکه و نرم افزار در هنرستان فنی و حرفه‌ای مائده شهرستان بندرگز از توابع استان گلستان مشغول به آموزش در پایه های یازدهم، رشته شبکه و نرم‌افزار درس توسعه برنامه نویسی و پایگاه داده شدم.

شهرستان بندرگز قدمتی تاریخی دارد و غربی‌ترین شهر استان گلستان و مرز میان استان‌های مازندران و گلستان است که قبل از سال ۱۳۷۶ جزء استان مازندران بوده است. زبان محلی مردم این منطقه مازنی و شغل اکثریت آنها کشاورزی است.

هنرستان مائده دارای ۱۱ رشته در زمینه‌های کاردانش و فنی، از جمله: دوخت سنتی، نان و شیرینی، صنایع غذایی، گردشگری، طلا و جواهرسازی، فتوگرافیک، کشاورزی، عکاسی، شبکه و نرم افزار و.... می‌باشد.

بیان مسئله

از نظر من انسانها موقعیت های تربیتی را یا ایجاد می کنند و یا در آنها قرار می گیرند و باید آنها را صید کنند. درشرایط جنگ دوازده روزه و جنگ رمضان ما در موقعیت واقعی تربیتی قرار گرفتیم و باید به‌عنوان معلم از آن حداکثر استفاده را ببریم.

چالش اصلی و اول من در ابتدای سال تحصیلی و بعد از پشت سر گذاشتن جنگ دوازده روزه، آشنایی و برخورد با هنرجویایی بود که فضای فکری متفاوت، ذهن های آشفته و پریشانی داشتند.

بنابراین از ابتدای سال تحصیلی مسئله اصلی را برای خود اینگونه تعریف کردم:

چگونه میتوانم هنرجویانم را که نوجوانان جامعه امروزی ایران عزیز هستند با توجه به ماهیت رشته تحصیلی آنها، مهارت ها و توانمندی هایی که با تحصیل در رشته خود تاکنون کسب کرده اند با مفهوم هویت ملی، مذهبی و ایرانی بیشتر آشنا کنم.

معرفی اجمالی طرح

درابتدای سال تحصیلی با توجه به موقعیت یادگیری که با در نظر گرفتن جنگ دوازده روزه ایجاد شده بود و فضای فکری حاکم بر کلاس تصمیم گرفتم در طول سال تحصیلی با استفاده از مهارت های یادگرفته شده توسط دانش‌آموزان از جمله هوش مصنوعی و مهارت های رشته شبکه و نرم

افزار، فضای کلاس را به سمت تلفیقی از آموزه های علمی - ملی ، مذهبی پیش ببرم. در واقع هدف اصلی خود را اینگونه تعریف کردم:

چگونه مهارت محورها را ایده محور و عقیده محور کنم؟

این جمله را با توجه به موقعیت شهرم که بندرگز است نوشتم. بندر بندرگز به ما یادآوری میکند که یک ملوان برای عبور از طوفان ها (بحران ها)، هم به موتور قوی (مهارت) نیاز دارد و هم به قطب نما و نقشه (عقیده و هویت).

چگونه میتوانم آموزه های دینی را در عمق ذهن و اندیشه آنها ریشه دار کنم و تاب آوری در برابر بحران ها را در آنها نهادینه کنم؟

اهداف طرح

اهداف آموزشی

- آشنایی با مفاهیم جنگ نرم
- آشنایی با مفاهیم امنیت سایبری
- شناخت ابزارهای هوش مصنوعی
- استفاده درست از آموخته های رشته شبکه و نرم افزار
- کاربردی سازی مهارت های رشته شبکه و نرم افزار

اهداف تربیتی

- تقویت روحیه ملی و مذهبی
- تقویت روحیه امید و تاب آوری
- تقویت روحیه مسولیت پذیری و تعلق به کشور و جامعه
- تقویت روحیه مشارکت و کار گروهی
- تبدیل دانش آموزان از مخاطب منعل به کنشگرهای مذهبی و اجتماعی

برنامه اجرایی طرح

طرح من از اولین جلسه آموزشی در کلاس درسم که متشکل از ۱۷ هنرجو که تقریبا همه ی آنها دارای تیپ شخصیتی ۲ و از سطح خانواده های متوسط بودند آغاز شد.

در ابتدای سال تحصیلی طبق تقویم رسمی کشور هر مناسبت مذهبی و ملی که در پیش بود از یک هفته قبل از هنرجویانم درخواست میکردم کاری را برای ارائه در کلاس آماده کنند. در ابتدای امر هیچ گروه بندی خاصی بین آنها انجام نشد و کارها به صورت دلخواه و دلی انجام میشد. در آبان ماه در مسابقات ایران دیجیتال شهرستان با ۵ نفر از هنرجویانم در خارج از زمان مدرسه و در روز پنج شنبه شرکت کردم (برای همه جای سوال بود که هنرجویان سرسخت رشته شبکه چطور در خارج از زمان مدرسه حاضر به شرکت شدند)، هرچند با توجه به کار خوبی که ارائه دادند رتبه ای کسب نکردند اما با هزینه شخصی خودم با هدیه ای کوچک از آنها در مراسم صبحگاه هنرستان قدردانی کردم.

رفته رفته سایر هنرجویان علاقمند به مشارکت در فعالیت های تربیتی شدند و انصافا کارهای بسیار خوبی ارائه میدادند. در آذرماه و با قرار گرفتن درگرامیداشت سالروز تشکیل بسیج مستضعفین هنرجویان کارهای بسیار خوبی برای ارائه در نمایشگاه هنرستان آماده کردند اما در کمال ناباوری زمانیکه از آنها در مورد محتوای کار انجام داده شده توسط خود آنها سوال کردم هیچ مطلبی برای ارائه نداشتند.

این دومین چالش تربیتی من از ابتدای سال تحصیلی با آنها بود. با مشورت با صاحب نظران حوزه تربیتی تصمیم بر این گرفتم که از این پس به طور مثال ۱ نمره برای انجام کار و ۲ نمره برای ارائه محتوای آماده شده در نظر بگیرم. استفاده از ابزار نمره همه ی آنها را پای کار آورد و واقعا مشتاق به انجام کار شدند به گونه ای که به صورت خودکار و خودجوش برای مناسبت ها تولید محتوا به صورت پوستر، بروشور، کلیپ و... داشتند.

فضای کلاسی ما خیلی خوب پیش می رفت اما با وقایع دی ماه، با چالش سوم خودم روبه رو شدم. آنها به هیچ وجه حاضر به همکاری نبودند. با مدیریت مدرسه تصمیم بر این شد که به دور از هرگونه قضاوت، شنونده ی صحبت های آنها باشیم و بعد از شنیدن صحبت های آنها باید به آنها می آموختیم چگونه اخبار جعلی را شناسایی کنند. این به آنها می آموخت که در بحران ها، چگونه حق را از باطل تشخیص دهند و با تکیه بر توان داخلی (با توجه به قطع اینترنت) می توان فرهنگ عاشورایی را که بیانگر این است که با کمترین امکانات، بزرگترین کارها را می توان انجام داد به عینه دید. در طول جنگ رمضان آنها خودجوش بروشور و کلیپ و ... آماده می‌کردند و برای من می‌فرستادند.

در یکی از وبینارهایی که با همت مدیریت هنرستان و سخنرانی های دکتر قربانی در طول جنگ رمضان برگزار می شد، دکتر قربانی برای افزایش روحیه امید و تاب آوری، الگوی مدارس غزه را مثال زدند؛ جرقه‌ای در ذهن من زده شد که این روش تربیتی را در کلاس درس خودم پیاده کنم. این

جلسات قبل از عید نوروز برگزار شده بودند و تعطیلات نوروز فرصت بسیار خوبی برای شروع اینکار با جزء سی قرآن بود. زمانیکه این پیشنهاد را در کلاس مطرح کردم با ستقبال آنها مواجه شدم. در کمال ناباوری یکی از خانواده ها در تماسی به من عنوان کردند که فرزندشان چند جزء قرآن را در دوران کودکی حفظ بوده و اکنون فراموش کرده است و از این فرصت بسیار تشکر و استقبال کردند.

شواهد اثر بخشی

- افزایش مشارکت دانش آموزها در فعالیت های هنرستان
- افزایش روحیه انقلابی و مقاومت
- افزایش احساس تعلق نسبت به جامعه و کشور
- مشارکت همه ی آنها با گذشت زمان در فعالیت های تربیتی

بررسی نتایج و ره آوردها

با در نظرگرفتن تمامی فعالیت های علمی و تربیتی انجام شده، میتوان به افزایش حس اعتماد بنفس و مشارکت در کارهای گروهی، افزایش روحیه تاب آوری ، افزایش حس تعلق به کشور، ریشه کردن باورها و اعتقادات مذهبی در ذهن و جان آنها، آشنایی بیشتر با جبهه مقاوت و جغرافیای سیاسی ایران و.... اشاره کرد.

محدودیت های اجرایی

- محدودیت زمانی (حداکثر یک سال تحصیلی معادل ۹ ماه آموزشی)
- دشواری هماهنگی فعالیتهای تربیتی و اجتماعی خارج از مدرسه
- هماهنگ شدن گروه ها به دلیل تفاوت در سطح نگرش آنها نسبت به مسائل

نقاط قوت

- تلفیق رشته شبکه و نرم افزار با آموزه های تربیتی و دینی
- تبدیل کلاس درس به محیط کنشگری اجتماعی
- استفاده از قابلیت های هوش مصنوعی در برخورد با مسائل تربیتی و اجتماعی

نقط ضعف

- مجازی شدن کلاس ها
- نداشتن امکانات کافی (کامپیوتر و گوشی هوشمند مناسب)

جمع بندی

ما از مهارت محوری صرف عبور کردیم و وارد حل مسئله وجودی شدیم و رشته شبکه را به جای اتصال کامپیوترها به هم ، اتصال به دلها (عقیده محوری) تعبیر کردیم. در واقع در شبکه اگر یک مسیر (Route) قطع شود، روترها به صورت خودکار مسیر جایگزین را پیدا میکنند. در زندگی و بحران ها (جنگ ۴۰ روزه) اگر یک درب بسته شد، جوان ایرانی مسلمان باید مثل حضرت عباس (ع) مسیر جدیدی برای رسیدن به هدف (آب) پیدا کند. هر چیزی که انسان خودش بپذیرد و انجام دهد در عمق جانش ریشه میکند و در بحران ها میتواند از آن استفاده کند. در نهایت من و همکارانم باید به عنوان هنرآموز شبکه و نرم افزار فرمانده ی تربیت نیروی سایبری متعهد باشیم. نمونه کار هنرجویان

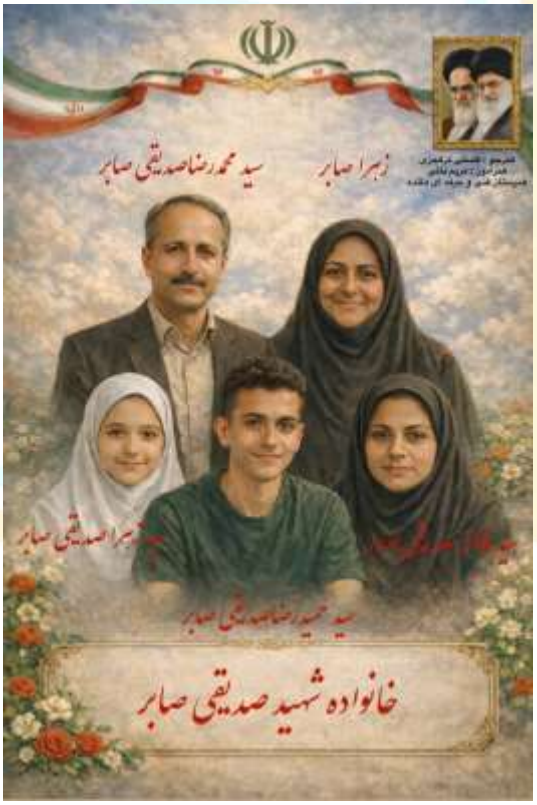


نسل چهارم
امروز نسل چهارم بسیجی تو میدان
مشغول حرکت و تلاش هستند
رهبر انقلاب اسلامی ۱۴۰۴/۹/۹
هنرجو: فاطمه زهرا بهمنی
هنرآموز: مریم بانی

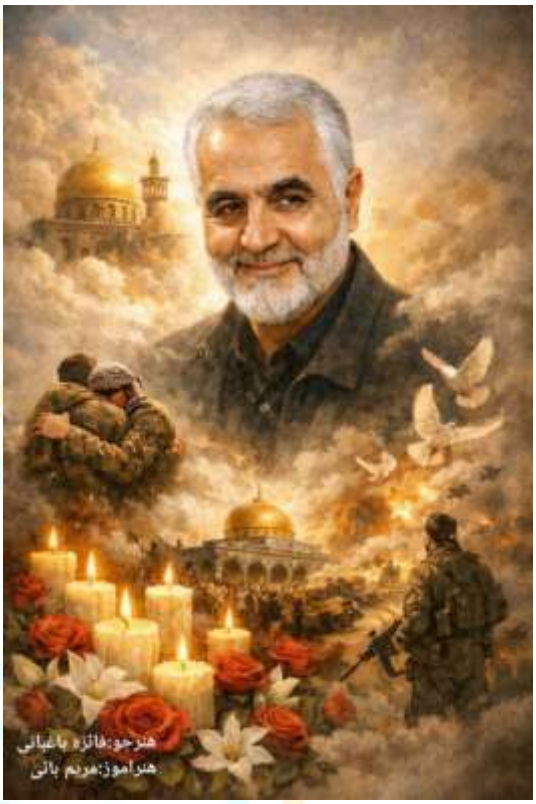
هنرجو:هانیه باغبانی
هنرآموز:مریم بانی